

▼ علت اصلی نامسألگی علوم انسانی گسست و جدایی بین علوم طبیعی و انسانی است

▼ لزوم توجه به نسبت بین علوم، در ساخت تمدنی

📌 پایه گذاری تمدن جهانی با تولید علم و دوری گزیدن از مصرف گرایی صرف صورت می گیرد و این علم در پیوند با پیشینه تاریخی بنا می شود تا بر پایه ی اصالت تاریخی بتواند در جهان گسترش پیدا کند و فراگیر شود.

- در اینجا لزوم همراهی علوم و پیشبرد همه جانبه ی تمامی ساحت های علوم مختلف مشاهده می شود، تا علوم طبیعی و انسانی بتوانند پا به پای هم به پیشبرد جامعه بپردازند. بنابراین اگر بخواهیم تمدنی جهانی را پایه گذاری کنیم؛ باید ابتدا به تولید علم و دوری گزیدن از مصرف گرایی صرف بپردازیم و این علم را در پیوند با پیشینه ی تاریخی خود بنا نهیم تا بر پایه ی اصالت تاریخی بتوان در جهان گسترش یابد. پایه گذاری یک تمدن بر اساس ظرفیت های تاریخی یعنی ساخت تمدنی که تمام اجزایش در تمامی ساحت ها به هم گره خورده باشد و توانسته سنت و مدرنیته را به هم پیوند بزند؛ بدین جهت می تواند انسان را از درون جهانی سنتی که در آن به معنویت می رسد، به سوی درک آگاهانه ی جهان مدرن سوق دهد تا با تأمل در علم، ساخت تجهیزات و ابزار علمی را ایجاد کند که در تعامل سازنده بین سنت و مدرنیته به آرامش و بالندگی برسد.

- گسست و جدایی علوم طبیعی و انسانی به نحوی است که **در جامعه ایرانی هیچ نسبتی بین علم و نقش آفرینی های سیاسی_ اجتماعی وجود ندارد.** شاهد این مدعا حضور جمع کثیری از استادان علوم طبیعی، مهندسان و پزشکان در ساختار تصمیم گیری های سیاسی مجلس و دولت است که علیرغم داشتن کمترین اطلاعی از تحولات علم سیاست و اقتصاد، پا به این عرصه می گذارند. به این معنا نه تنها نامسألگی علوم پایه در ایران رقم می خورد؛ بلکه به دلیل غفلت از تفاوت های علوم و نتایج آن در جامعه، اساساً نامسألگی علم در ایران دیده می شود.

- درک ناقص از علوم، پرسشی را ایجاد نخواهد کرد و صرفاً موجب افزایش تولیدات و مونتاژهای مختلف می شود؛ بدون آن که نقدی نسبت به محصولات داشته باشد. در جامعه ای که گسست بین علوم رخ داده باشد نمی توان فلسفه، کلام، فقه و اخلاق را غیر متناسب با قلمرو علوم طبیعی نگه داشت. انسان نمی تواند در طولانی مدت مابین تضادهای هستی_شناختی خود دوام بیاورد و سرانجام جایی به نفع یکی از دو سویه متضاد تصمیم بگیرد. نتیجه این تصمیم گیری، جهانی می سازد که وقتی انسان در آن از اخلاق و الهیات سخن می گوید؛ **سخن او هیچ نسبتی با علوم طبیعی و دستاوردهای تکنولوژی و شهرسازی ندارد.**